

– آیا باید برای ارزیابی حرکت کشور در مسیر پیشرفت شاخص‌های کمی و کیفی تدوین شود؟
– حد تفصیل الگو چه میزان باشد؟ با توجه به اینکه اگر کلی باشد شبیه قانون اساسی خواهد شد و اگر در حد سیاست‌های کلی باشد تفاوت آن با سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبری مشخص نیست و اگر عملیاتی باشد، چه اختلافی با برنامه‌های پنج‌ساله توسعه خواهد داشت؟

البته توجه به این پرسش‌های بنیادین از سوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و کارگروه ویژه طراحی این نقشه راه بسیار ارزشمند است اما گره آنجاست که بدون پاسخ‌هایی روشن و درخور به این پرسش‌ها، چگونه چنین نقشه‌راهی آماده و نسخه نهایی آن مصوب شده است؟



اما با نگاهی به کلیت گزارش مربوطه و به‌خصوص با توجه به پیوست شماره ۱ آن که به بحث بنیادین «الگو چیست» می‌پردازد، خلأها و نواقص آن بیشتر نمودار می‌شود. چنان که نویسندگان اشاره نموده‌اند در تعریف اینکه الگو چیست، طیف مختلفی از نظرات حداقلی و تا انتظارات حداکثری وجود دارد و پاسخ آن در روش‌شناسی تدوین الگو تأثیر عمیقی خواهد داشت.
به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان این نقشه راه، دست‌کم مقولاتی مانند «سند بالادستی»، «نقشه جامع» و «چگونگی رسیدن» را در تعریف و تبیین ماهیت الگو پذیرفته‌اند اما در حالی که گویا بحث اصلی تدوین‌کنندگان بر سر میزان ایجاز و تفصیل الگو است، در این متن، هنوز چیزی بیشتر از تکیه بر رهنمودهای ارائه شده از سوی رهبری دیده نمی‌شود.
نگاهی به برخی پرسش‌ها که در پیوست شماره ۱ آمده‌اند به‌خوبی نشان می‌دهند که مراکز تصمیم‌ساز کشور در سطح تعریف ماهیت و دامنه الگو مانده‌اند و در آن قلمرو نیز هنوز به یک جمع‌بندی واضح و مورد توافق نرسیده‌اند: – افق زمانی تدوین الگو چه خواهد بود؟ آیا اصلاً افق زمانی باید تعیین شود؟

نخبگانی در طراحی الگو می‌پردازد.
در این گزارش، الگو یک «نقشه جامع که هدف، سمت و شیوه حرکت و نحوه رفتار جامعه را برای تحقق یافتن تحول تکاملی جامعه بیان می‌کند» تعریف شده است. نویسندگان این نقشه راه ضمن تأکید بر «سند» بودن الگو آن را حاوی سرفصل‌هایی مانند این می‌دانند:
تبیین وضعیت مطلوب جامعه اسلامی و تعریف نمودهای بیرونی و مولفه‌های ملموس آن؛ تعیین معیارها و نقاط مرجع مسیر در مقاطع دو ساله برای پیش‌بینی؛ تدوین راهبردها یعنی چگونگی حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب؛ طراحی ساختارهای و نظام‌های کلان خوداصلاح‌گر پیش‌ران به سوی پیشرفت؛ تعریف نظام پیش‌رفت، این گزارش همچنین تحلیلی جامع از تجربیات جوامع توسعه‌یافته و عوامل مشترک در توسعه آن‌ها و نیز آسیب‌شناسی روند پیشرفت کشور را به عنوان اسناد پشتیبان سند الگو ضروری می‌داند.
این نقشه راه در نهایت ۲۰ گام را از «خطوط راهنمای تحقیق و تدوین الگو از نگاه رهبری» تا «طراحی الگوی تفصیلی در عرصه‌ها و حوزه‌ها» تعریف و با نمودارهایی تشریح نموده است.

اطلاعی از توانمندی‌های ملت ایران نداشتند که ۲۰ سال دیگر ایران در همه عرصه‌ها در منطقه اول شود. این در حالی است که هم‌اکنون ایران در بسیاری از عرصه‌ها نه در منطقه بلکه در دنیا اول شده است.
با توجه به این اختلاف‌نظرها در سنجش عملکرد نهادی نسبت به تحقق چشم‌انداز، به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالشی که این سند تاکنون با آن مواجه بوده، فقدان یک «مکانیزم و فرایند منسجم و دقیق نظارتی» برای اندازه‌گیری و سنجش روند اجرایی شدن سند چشم‌انداز است. امری که وجود آن برای ده سال آینده کشور بسیار ضروری می‌نماید.
سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور در حالی وارد نیمه دوم عمر خود شده است که تجربه این ده سال نشان می‌دهد شرایط داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی ایران از جمله فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها و همچنین وابستگی زیاد روند اجرایی شدن اسناد بالادستی نظام به رفتار و تصمیم دولت‌ها نمی‌گذارد که یک روند پائیات و عادی بر روند پیشروی به سوی چشم‌انداز حاکم باشد. بنابراین دست‌یابی به چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ مستلزم برنامه‌ریزی برای شرایط سخت است نه اینکه شرایط سخت توجیهی برای عقب‌ماندن از اهداف این سند باشد.

دیده است. دولت اصلاحات خاتمی، دو دولت مهرورز احمدی‌نژاد و به‌تازگی هم دولت تدبیر و امید روحانی، «باتون فلزی» این دوی امدادی بیست‌ساله را از سلف خود گرفته و دوی خود را شروع کرده است.
درباره چگونگی پیشرفت این سند و درصد اجرایی شدن آن در این ده سال، اختلاف‌نظرهای بعضاً شدیدی وجود دارد. هشت سال از عمر سند چشم‌انداز در دولت محمود احمدی‌نژاد و بیشترین انتقادات نیز در روند تحقق سند چشم‌انداز متوجه دولت وی بوده است. در حالی که بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران، نقدهای جدی به عدم توجه دولت‌های نهم و دهم به سند چشم‌انداز و در پی آن عقب‌ماندن کشور در مسیر تحقق این سند داشتند، احمدی‌نژاد در دی‌ماه سال ۸۹ در اظهارنظری جنجالی گفت: کسانی که برنامه چشم‌انداز ۲۰ ساله را نوشتند

۱۳۷۸ متوجه شدیم که سیاست‌های کلان اگر منسجم نباشند، یک نوع سرگردانی و پراکندگی در برنامه‌ریزی کشور به‌وجود خواهند آورد. ما سیاست‌های اقتصادی و بعد سیاست‌های فرهنگی و سیاست‌های اجتماعی را ابلاغ می‌کنیم اما وقتی این‌ها منسجم نباشند، یک نوع پراکندگی به‌وجود می‌آید. در همان سال در دبیرخانه مجمع به این نتیجه رسیدیم که باید افق را برای آینده کشور ترسیم کنیم تا بر همه سیاست‌ها سایه بیندازد و شیرازه اصلی سیاست‌های کلان را سامان‌دهی کند. وقتی این ایده را خدمت رهبر انقلاب مطرح کردیم، بلافاصله فرمودند: این یکی از حلقه‌های مفقوده نظام جمهوری اسلامی ایران است. این «حلقه مفقوده» تعبیر ایشان بود. بیش از ده دقیقه آقا صحبت کردند و این حرف کلیدی‌شان بود که اگر بتوانید آن حلقه مفقوده را پیدا کنید، خیلی چیز خوبی است و فوق‌العاده تاریخی است.
ده سال و به عبارتی نیمی از عمر سندی می‌گذرد که قرار است تا سال ۱۴۰۴ شمسی ما را به کشوری «توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل» تبدیل کند.
چشم‌انداز ۱۴۰۴ تاکنون چهار دولت را به خود

